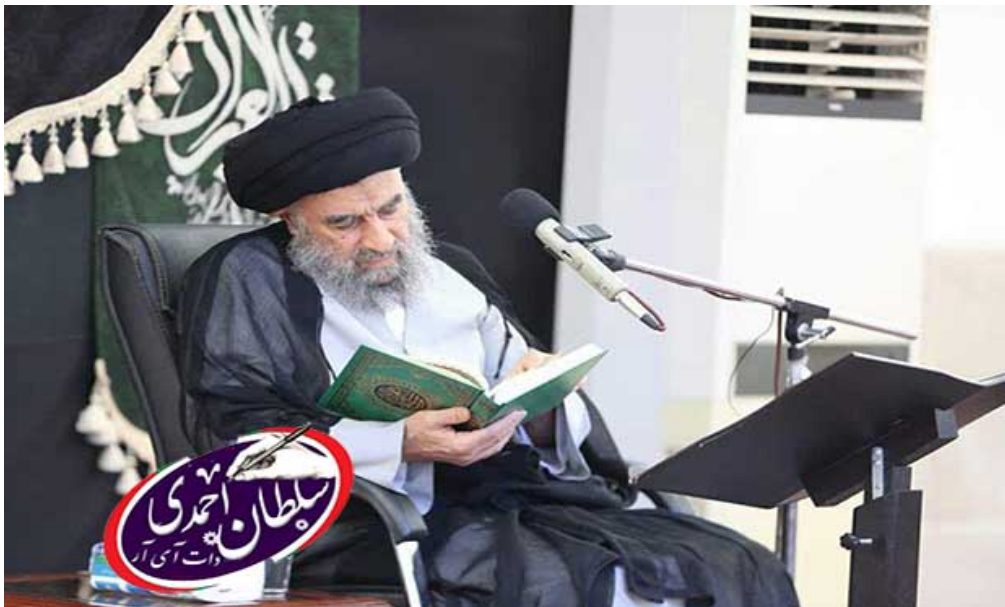


پیمان و پیمان شکنی/ پیمان غدیر خمیرمایه تمدن بشر ۵

آیت الله العظمی مدرس در پنجمین جلسه تفسیر سوره انسان با اشاره به آیه هفت این سوره درباره پیمان و آثار منفی پیمان شکنی، علل سقوط و پیشرفت جوامع بشری، انواع تمدن ها و چرایی ساخت تمدن توسط بشر، اثر وفای به عهد، سخن گفتند که مشروح بیانات معظم له در ادامه می آید.

بسم رب المهدی(ع)

به گزارش پایگاه اینترنتی دست نوشته های معارفی امیرمحسن سلطان احمدی ([سلطان احمدی دات آی آر](#))؛ پنجمین جلسه تفسیر و تدبر در قرآن مرجع عالیقدر تقلید و مفسر تفسیر من هدی القرآن (هدایت) حضرت آیت الله العظمی «سید محمد تقی مدرس»، بامداد امروز شنبه ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ برابر با پنجم ماه مبارک رمضان در دفتر تهران معظم له با محوریت تفسیر آیه ۷ سوره انسان برگزار شد.



مشروح بیانات معظم له به شرح زیر است:

يُؤْفُونَ بِالَّذِذِّ ذُرِّ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانِ شَرُّهُ
مُسْتَطِيرًا (آیه ۷ سوره انسان)

[همان بندگانی که] به نذر خود وفا میکردند و از روزی که گزند آن

فراگیرنده است می‌ترسیدند.

مراد از « یُوْفُونَ بِالذَّرِّ » پیمان خدا با همه بشر در عالم ذر

از روایات اهل بیت استفاده می‌شود که این جمله قرآنی « یُوْفُونَ بِالذَّرِّ »، مراد آن میثاق و پیمانی است که بین همه بشر و پروردگار در عالم ذر انجام شده است. و مراد آن میثاق این است که محورش ولایت محمد و آل محمد(ص) است. بنابراین امشب بحث ما در پیمان و پیمان شکنی و آثار منفی پیمان شکنی در سطح های مختلف است.

تمدن و پیشرفت بشر بر اساس پیمان های آنها

اساساً پیشرفت های بشر بر اساس تمدن بوده است. یک مجموعه از بشر که با هم حرکت می‌کنند و پیرامون محوری که آن محور را میثاق یا پیمان یا عهد و امثال این کلمات می‌خوانیم، آنها حرکت می‌کنند و در این حرکت پیشرفت می‌کنند، که این پیشرفت بر اساس تمدن بشر است. بنابراین در مدت هزاران سال پیشرفت هایی بوده و در آینده هم خواهد بود.

نتیجه این که تمدن بشر بر اساس همین تعهد است. چون این مجموعه بشر دور هم جمع شدند، و یک برنامه برای خود تنظیم کردند و به آن برنامه هم متعهد شدند و با هم همکاری کردند تا به آن هدف هایی که برای خود تعیین کردند برسند.

در تاریخ نگاری، گاهی بحث های جزئی است که مثلاً فلانی فوت کرد یا فلانی آمد و پادشاه شد. اما گاهی بحث فلسفه و درون مایه های تاریخ است که چرا اینجور شد و چرا این تمدن بروز و آن تمدن سقوط کرد. که این جنبه خاص خودش را دارد ولی در روایات و آیات و کلمات فقهای ما بحث های جزئی در این باره است نه به عنوان فلسفه تاریخ بلکه عنوان های دیگری آمده است.

علل سقوط و پیشرفت یک جامعه

پس بشر باید دور هم جمع شوند و این جمع شدن آنها محوری داشته باشند که محور همان پیمان یا میثاق یا عهدنامه است. هر وقت این مردم به این محور پایبند باشند و تعهد های خود را نسبت به این محوری که خود برای خود تهیه کردند و به آن متعهد و ملتزم شدند،

پشرفت می کنند. اما اگر سست شدند و تعهد شکنی و بی وفایی نمودند، اینجا جامعه از هم می پاشد و سقوط می کند.

چرایی ساخت تمدن توسط بشر

این خلاصه تاریخ است، اما خلاصه تفسیری هم دارد و آن این است که چرا بشر دور هم جمع می شوند و یک تمدن می سازند و آن طرف هم یک عده چنین کاری نمی کنند و همچنان صحرا نشین می مانند؟ برای این جهت دو فلسفه بیان می کنیم.

ساخت تمدن به خاطر خطرات داخلی و خارجی

فلسفه اول این که گاهی بشر مبتلای یک خطرهای سهمگین از داخل می شود و برای دفع آن مجبور است با خود بسازند. مثلا خطر سیل، زلزله، قحطی، کم آبی، ... بنا بر این غالب تمدن های بشر از اینجاها شروع شده است، چون فهمیدند این مشکلات را نمی شود به تنهایی حل کنند، پس دور هم جمع شدند و تمدن ساختند.

ولی یک نوع تمدن دیگر است که بشر در مقابل خطرهایی که از خارج متوجه آنها می شود، ساخته می شود. مثلا یک عده جایی نشسته اند و یک عده دیگر زورگو و قدرتمند هستند از جای دیگر می آیند و به آنها زور می گویند. اینجا هم بشر دورهم جمع می شوند و یک تمدن را در برابر چالش های خارج از محیط و وطن و امت خود درست می کنند.

مهمترین تمدن ها، تمدن الهی

پس این نوع تمدن ها دو نوع است، داخلی و خارجی ولی نوع اساسی تمدن ها نوع سوم است که کسانی که درباره تمدن ها صحبت می کنند از حمله لائیک ها عمداً به آن توجه نکردند و آن تمدن هایی است که از سوی خدا می رسد.

اولین تمدن بشر از سوی حضرت آدم(ع)

اولین تمدن بشر از سوی حضرت آدم(ع) بود، ابتدا حضرت آدم(ع) بود و یکی از پسرانش برادرش را کشت که بعد آنها با هم جمع شدند و یک تمدن را ساختند و تا حضرت نوح(ع) این تمدن داشت. بعد از آن هم حضرت شیث بعد ادریس، بعد هم تمدنی بود که پیشرفتی کرده بودند ولی بعدش منحرف شد.

چون که منحرف شد خدا حضرت نوح(ع) را فرستاد که حضرت نوح ۹۵۰ سال

با آنها بحث کرد ولی آنها قبول نکردند. و طوفان نوح فرا رسیدن و یک عده اطاعت کردند و سوار کشتی شدند و نجات یافتند، حالا بعد از آن طوفان آن تعدادی که در کشتی بودند نشستند و باز تمدن را ایجاد کردند. مثال بارز این تمدن ها تمدن نوح(ع)، ابراهیم(ع)، یوسف(ع) بود.

پیامبر(ص) و معصومین(ع) ریشه همه پیشرفت ها و تمدن ها

و آخرین آنها تمدن عظیمی که پیامبر اکرم(ص) ایجاد کرده است و حضرات معصومین(ع) آن را ادامه دادند. من دلیل داریم هر چه پیشرفت و خوشی و علم است، معدنش حضرت پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) است.

وقتی یکی از شاگردان حضرت صادق(ع)، به نام جابر ۴ هزار کتاب درباره شیمی می نویسند و غرب را با شیمی آشنا می کند، نشان می دهد که ائمه ما اصل تمدن بشر هستند، و ریشه تمدن همان میثاق و عهد بوده است.

بیعت و میثاق غدیر خمیرمایه تمدن های جهان

این ميثاق همان میثاقی بود که پیامبر اکرم(ص) از اوس و خزرج پیمان گرفت و نمایندگان آنها در منا متعهد به آن شدند، بعد در زیر درختی به نام بیعت شجره مشهور شد و آخرین میثاق در زمان پیامبر(ص) میثاق غدیر و خطبه غدیریه بود.

اگر دقت کنید در حقیقت میثاق غدیر یک میثاق نامه و تعهد نامه ای است که شامل غالب مسائلی احتیاجی بشر است. و هنوز ما از بیعت غدیر استفاده می کنیم و بیعت غدیر هنوز زنده و خمیرمایه تمدن ما و جهان است.

چرایی نقض پیمان و سست شدن تمدن ها

حالا چرا یک عده از مردم پیمان را نقض می کنند؟ و چرا گاهی تمدن ها پیشرفت می کنند اما باز به سستی و بی توجهی منتهی می شود و تمدن از بین می رود؟ این دلایلی دارد که بیان می شود.

فراموش کردن دشمن خارجی بعد از شکست دادن او

گاهی وقت ها مردم دشمن خارجی داشتند و برای دفع این دشمن جمع شدند و آن را دفع کردند، بعد از دفع کردن دشمن به دنبال عیش و نوش خود رفتند و فکر نکردند دوباره دشمن خارجی بیاید یا مشکلات

درونی ایجاد شود، در کل فراموش کردند و این دشمن را فراموش کردند.

نسل اول توجه دارند، ولی نسل دوم و سوم کم کم یادشان می روند، و گاهی در کشورمان جوانانی هستند که از جنگ و انقلاب چیزی یادشان نیست، که مردم برای این انقلاب و جنگ چه زحمت ها کشیدند و شهادتها و رشادتهایی داشتند، و عده ای دیگر نیز آن را یادشان می رود و به فکر چیزهای دیگر می افتند؛ هر چند این طبع بشر است که یادش می رود.

دو راه برای جلوگیری از پیمان شکنی و از بین رفتن تمدن

حالا چه کنیم که پیمان شکنی نشود و مردم دور محور آن میثاق و آن هدف واحد بایستند و تمدن خود را به پیش ببرند؟ که دو راه دارد.

اولاً بدانید دشمن هیچ وقت خواب نیست و بشر بدون دشمن نیست. و قرآن می فرماید: «بَعَّضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ» / برخی از شما برخی را دشمنید» (آیه ۳۶ سوره بقره).

روزی که خدا آدم را به زمین فرستاد، گفت بدانید که شما با هم خیلی دوست نیستید و جنگ است. و هیچ وقت بشر با هم صلح کامل نبودند، ان شاءالله با ظهور حضرت امام زمان(عج) به آن روز و صلح جهانی خواهیم رسید.

ولی انصافاً ما از ملتمان دیدیم و خواهیم دید که هر وقت احساس خطر از خارج شده به طور منسجم و فشرده فعال شدند. و قرآن هم می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْدِيَانٌ مَّرْصُوفُونَ» / خدا آن مؤمنان را که در راه او در صف جهاد با کافران، مانند بنیان و سدّی آهنین همدست و پایدارند بسیار دوست می‌دارد.». (آیه ۴ سوره صف).

دوماً دلیل دوم این است که تمدن ریشه اش از مصالح و منافع مادی نباید قطع شود و از آن طرف نباید ما پیمان شکنی کنیم. چون نه تنها تمدن از بین می رود بلکه خودمان هم از بین می رویم، علاوه بر اینکه در دنیا دچار ضرر می شویم، در آخرت هم دچار ضرر می شویم.

وفای به عهد و پیمان از ترس خدا

قرآن می فرماید: «يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا

كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا»، علت اینکه به نذرشان عمل می کند این است که از خدا می ترسند، نه برای اینکه منافع مادی آنها در خطر است و دشمن به آنها هجوم می آورد بلکه از خدا و آخرت می ترسند.

تاسف از کمرنگ شدن فرهنگ دینی در جامعه

اینجا یک بحثی مطرح کنم؛ متاسفم عرض کنم که فرهنگ دینی ما یک مقدار در این جهت کم می آورد و ما مردم را باید متوجه خدا و آخرت کنیم. کاری که پیامبران انجام دادند این بود که دنیا آخرین راه شما نیست و شما آخرت دارید، که این جهت در فرهنگ دینی کم شده است.

امروزه حتی اگر یک نفر سخنان درباره قبر و قیامت حرف بزند، کسی خوشش نمی آید و انتقاد می کند در صورتی که همین مرگ و قیامت، دین و خدا شناسی و آخرت شناسی اساس است. وقتی ما را در قبر می گذارند می گویند بدانید که نار و آخرت حق است. نکیر و منکر اینها را از ما سوال می کنند و این شوخی نیست!

آقا و رهبر ما پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «ما خلقتم للفناء، بل خلقتم للبقاء، و إنّما تنقلون من دار إلى دار». ای کاش همین بود که بمیرد و خاک شوید و تمام شود، اینجور نیست تازه مرگ اول کار است، خود مرگ مشکل دارد، سكرات مرگ مسئله است و همینطور تا قیامت.

حالا بعد از مرگ تازه نکیر و منکر می آید و بعدش برزخ هست و بعد از آن قیامت است. باید همیشه از خدا خواست که خدایا: «فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْزَلْتَهُ وَوَلَدَيْتَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۗ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ/ای آفریننده زمین و آسمان، تویی ولی نعمت و محبوب من در دنیا و آخرت، مرا به تسلیم و رضای خود بمیران و به صالحانم بپیوند.»

در قرآن هر جا درباره یوم صحبت شده یعنی یک روز است که در یک روز استراحت نیست و حتی اگر ۵۰ هزار سال باشد این ۵۰ هزار سال یک روز است و همیشه در قرآن صفت آن روز هم آمده است.

در صفات روز آمده مثلا روز سنگینی است، روزی است که ترش است، مثل اینکه انسان صورتش را به دیگری ترش کند، کل روز با ما ترش است. جایی نیست که فرار کنیم! حالا ما برای ۳۰ یا ۴۰ سال اینجا هستیم،

فراموش می کنیم که قیامتی هست و اگر کسی هم تذکر بدهد، می گویند این تفکرش قدیمی است، چرا اینجور شدید و دارید تیشع به ریشه خود می زنید.

ترس مومنین از روز قیامت و وفاداری آنها به عهد

اما در بین مومنین چنین نیست، و آنها از روز قیامت می ترسند، پس به عهدشان وفادار هستند که قرآن هم فرمود: «يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَمَا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطَِيرًا». این همان ولایت و میثاق عالم ذر که مومنین به آن پایبند هستند.

تاکید آیه ۹۱ سوره نحل بر وفا بر عهد

از سوره نحل تدبیر و تبرک بجویم که در این سوره خداوند می فرماید: «وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذًا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْذِقُوا الْأَيْمَانَ بِعَدِّ تَوَكُّيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا ۖ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ / و چون با خدا (و رسول و بندگانش) عهدی بستید بدان عهد وفا کنید و هرگز سوگند و پیمان را که مؤکد و استوار کردید مشکنید، چرا که خدا بر خود ناظر و گواه گرفته‌اید؛ همانا خدا به هر چه می‌کنید آگاه است.» (سوره نحل).

به عهدهای خودتان وفا کنید و قسم شکنی نکنید! چون در این عهد خدا را قسم خوردید پس بدانید طرف شما شخص نیست که پیمان شکنی کنید، طرف شما خدا است، پس عهد شکنی نکنید، تهمت نزنید، بد گویی نکنید، زیادخواهی نکنید.

با پیمان شکنی همه با هم نابود می شوند

ای مردم به همدیگر لقب بد ندهید، خدا این را فسوق شمرده است؛ یعنی از جاده به دور رفتن است. شما مومن هستید چرا می خواهید فاسق شوید! شما جهاد کردید، شهید دادید، چرا چنین می کنید! میثاق شکنی و قانون شکنی نکنید! چرا؟ چون دلتان می خواهد این جماعت بهتر باشد. پس بدانید اگر این کشتی غرق شد، همه با هم غرق می شوند، نباید کشتی غرق شود لااقل مرزی در کارها داشته باشید که اگر نداشته باشید و پیمان شکنی کنید، این کشتی غرق می شود.

گاهی باید تاکید کرد که شیطان گولمان نزند و حقایق روز ما را دور نکند که به گذشته باز گردیم. نقل است در زمان جاهلیت در قریش زنی

احمق و پولدار بود که ابتدای روز کنیزهایش را جمع می کرد و می گفت پنبه بریسید، و در غروب هم می گفت هر چه بریسید را پنبه کنید! پس چرا با پیمان شکنی به اصلتان بر می گردید!

ما باید برای خدا که این پیشرفت ها را به ما داده، و همچنین ترس از روز قیامت، این پیمان ها را نشکنیم و دور هم جمع باشیم.

ترس از روز قیامت نکته پایانی آیه هفت سوره انسان

در بخش پایانی این آیه خداوند می فرماید: «... وَ يَخَافُونَ يَوْمًا كَلَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا / و از روزی که گزند آن فراگیرنده است می ترسیدند» [ترسیدند و از روزی که گزند آن فراگیرنده است می ترسیدند]. گاهی در یک جایی جنگ می شود؛ مثلاً در ایامی که در تهران موشک باران می شد، این طرف موشک بود، آن طرف نبود؛ اما در روز قیامت شرش همه جا هست که در آیه ۱۰ همین سوره خداوند می فرماید: «إِنَّ زَاخَرًا مِنْ رِبِّئِنَّا يَوْمًا عَابُوسًا قَمَطَرِيرًا / ما از پروردگاران در روزی که روز عبوس و بسیار هولناکی است می ترسیم».

در این روز وحشت، مومنین راحت هستند. حالا تصور ۵۰ هزار سال راحت بودن انسان خیلی حرف است. اصلاً بعضی از روایات داریم که اینها از خوشی متوجه نیستند که این ایام چگونه می گذرد، بین خودشان و صالحان در حال دید و بازدید هستند. حالا کدام یک بهتر است؟ مومن بودن یا کافر و ناشکر؟

نتیجه اینکه ما باید تمدن های خودمان را حفظ کنیم و پیمان های خودمان را نشکنیم و دور خودمان جمع شویم و آینده را فکر کنیم هم در دنیا سرافراز شویم و خطرات درون و برون را دفع کنیم و هم در آخرت خجل نشویم.

پدیدآورنده:

به قلم: امیر محسن سلطان احمدی

www.soltanahmadi.ir